



مدعی عدالت که بسیار نماز و قرآن می خواند، فرق امام عدالت را شکافت

سال 40 هجری قمری: ضربت خوردن حضرت علی(ع) در مسجد کوفه ...

عبدالرحمن بن ملجم مرادی، از گروه خوارج و از آن سه نفر مدعی عدالت و از جمله نمازخوانان و قاریان قرآنی بود که در مکه معظمه با هم پیمان بسته و هم سوگند شدند، که سه شخصیت مؤثر در جامعه اسلامی، یعنی امام علی بن ابی طالب(ع)، معاویه بن ابی سفیان و عمرو بن عاص را در یک شب واحد ترور کرده و آن ها را به قتل رسانند.

هر کدام به سوی شهرهای محل مأموریت خویش رهسپار شدند و عبدالرحمن بن ملجم مرادی به سوی کوفه رفت و در بیستم شعبان سال 40 قمری وارد این شهر بزرگ شد. (نگاه کنید: بیستم شعبان سال 40 هجری قمری)

وی به همراهی شبیب بن بجره اشجعی، که از همفکران وی و منتقدان وضع سیاسی و اجتماعی کوفه بود و هر دوی آن ها از سوی "قطام بنت علقمه" تحریک و تحریت شده بودند، در سحرگاه شب نوزدهم ماه مبارک رمضان سال 40 قمری در مسجد اعظم کوفه کمین کرده و منتظر ورود امیرمؤمنان علی بن ابی طالب(ع) شدند. (1) هم چنین قطام، شخصی به نام "وردان بن مجالد" را که از افراد طایفه اش بود، به یاری آن دو نفر فرستاد. (2)

أشعث بن قیس کندی که از نمازخوانان و قاریان قرآن و از ناراضیان سپاه امام علی(ع) و از دو چهرگان و منافقان واقعی آن دوران بود، آنان را راهنمایی، پشتیبانی و تقویت روحی می نمود. (3)

حضرت علی(ع) در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان، مهمان دخترش ام کلثوم(س) بود و در آن شب حالت عجیبی داشت و دخترش را به شگفتی درآورد.

روایت شده که آن حضرت در آن شب بیدار بود و بسیار از اتاق بیرون می رفت و به آسمان نظر می کرد و می فرمود: به خدا سوگند، دروغ نمی گویم و به من دروغ گفته نشده است. این است آن شبی که به من وعده شهادت دادند. (4)

به هر روی، آن حضرت به هنگام نماز صبح وارد مسجد اعظم کوفه شد و خفته گان را برای ادای نماز بیدار کرد. از جمله، خود عبدالرحمن بن ملجم مرادی را که به رو خوابیده بود، بیدار و خواندن نماز را به وی گوش زد کرد.

هنگامی که آن حضرت وارد محراب مسجد شد و مشغول خواندن نماز گردید و سر از سجده اول برداشت، نخست شبیب بن بجره با شمشیر بران بر وی هجوم آورد، ولیکن شمشیرش به طاق محراب اصابت کرد و پس از او، عبدالرحمن بن ملجم مرادی فریادی برداشت: "لله الحکم یا علی، لا لک و لا لأصحابک!" و شمشیر خویش را بر فرق نازنین حضرت علی(ع) فرود آورد و سر مبارکش را تا به محل سجده گاهش شکافت. (5)

حضرت علی(ع) در محراب مسجد، افتاد و در همان هنگام فرمود: بسم الله و بالله و علی مله رسول الله، فزت و ربّ الکعبه؛ سوگند به خدای کعبه، رستگار شدم. (6)

نمازگزاران مسجد کوفه، برخی در پی شبیب و ابن ملجم رفته تا آن ها را بیابند و برخی در اطراف حضرت علی(ع) گرد آمده و به سر و صورت خود می زدند و برای آن حضرت گریه می نمودند.

حضرت علی(ع)، در حالی که خون از سر و صورت شریفش جاری بود، فرمود: هذا ما وعدنا الله و رسوله؛ (7) این همان وعده ای است که خداوند متعال و رسول گرامی اوست به من داده اند.

حضرت علی(ع) که توان ادامه نماز جماعت را نداشت، به فرزندش امام حسن مجتبی(ع) فرمود که نماز جماعت را ادامه دهد و خود آن حضرت، نمازش را نشسته تمام کرد.

روایت شد، که در هنگام ضربت زدن عبدالرحمن بن ملجم بر سر مطهر حضرت علی(ع)، زمین به لرزه در آمد و دریاها مواج و آسمان

ها متزلزل شدند و درهای مسجد به هم خوردند و خروش از فرشتگان آسمان ها بلند شد و باد سیاهی وزید، به طوری که جهان را تیره و تاریک ساخت و جبرئیل امین در میان آسمان و زمین ندا داد و همگان ندایش را شنیدند. وی می گفت: تهدمت و الله ارکان الهدی، و انطمست أعلام التقی، و انفصمت العروه الوثقی، قتل ابن عمّ المصطفی، قتل الوصی المجتبی، قتل علی المرتضی، قتل أشقی الأَشقیاء؛(8) سوگند به خدا که ارکان هدایت درهم شکست و ستاره های دانش نبوت تاریک و نشانه های پرهیزکاری بر طرف گردید و عروه الوثقی الهی گسیخته شد. زیرا پسر عموی رسول خدا(ص) شهید شد، سید الاوصیا و علی مرتضی به شهادت رسید. وی را سیاه بخت ترین اشقیاء، [یعنی ابن ملجم مرادی] به شهادت رسانید.

بدین گونه پیشوایی شایسته، امامی عادل، خلیفه ای حق جو، حاکمی دلسوز و یتیم نواز، کامل ترین انسان برگزیده خدا و جانشین بر حق محمد مصطفی(ص)، به دست شقی ترین و تیره بخت ترین انسان روی زمین، یعنی ابن ملجم مرادی ملعون، از پای درآمد و به سوی ابدیت و لقاء الله و هم نشینی با پیامبران الهی و رسول خدا(ص) رهسپار گردید و امت را از وجود شریف خویش محروم نمود.

پی نوشت ها:

1- الارشاد (شیخ مفید)، ص 20؛ الجوهره فی نسب الامام علی و آله (البری)، ص 112

2- وقایع الایام (شیخ عباس قمی)، ص 41؛ تاریخ ابن خلدون، ج2، ص 184

3- الارشاد، ص 21؛ وقایع الایام، ص 41؛ منتهی الآمال (شیخ عباس قمی)، ج1، ص 171

4- منتهی الآمال، ج1، ص 172

5- الارشاد، ص 23؛ منتهی الآمال، ج1، ص 172؛ الجوهره فی نسب الامام علی و آله، ص 113؛ وقایع الایام، ص 41

6- منتهی الآمال، ج1، ص 174

7- همان

8- همان

منبع: تبیان